

اسرار روزه

نعمت‌الله یوسفیان

استادیار پژوهشگر تحقيقات اسلامي

چکیده

مقاله حاضر با عنوان «اسرار روزه» به بحث درباره رازهای نهانی روزه پرداخته است. از این رو، پس از ذکر مقدمه‌ای کوتاه در بیان تفاوت اسرار روزه با احکام، آداب و حکمت‌های آن، به مفهوم سرّ و دلایل اثبات راز برای روزه پرداخته، از آن پس، عطرآگین بودن روزه، سیر آتش بودن آن، مشاهده ملکوت، سفره رنگین بهشتی، دعای فرشتگان، در ورودی ویژه به سوی بهشت، صورت ملکوتی برزخی و لقاء الله به عنوان برخی از اسرار روزه مورد بحث قرار گرفته است و در پایان چند نکته به عنوان نتیجه‌گیری ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: روزه، اسرار روزه، مشاهده ملکوت، لقاء الله

مقدمه

روزه، همچون دیگر عبادتها علاوه بر احکام و آداب و حکمتها، اسراری دارد. بدون تردید، اسرار روزه چیزی فراتر از احکام، آداب و حکمت‌های آن است؛ احکام روزه، مسائلی را می‌گویند که کتابهای فقهی متکفل آن هستند مانند اینکه روزه چیست؟ چگونه باید روزه گرفت؟ واجبات روزه چیست؟ چه چیزهایی روزه را باطل می‌کند و....

آداب روزه، اموری را می‌گویند که شخص روزه‌دار وظیفه دارد آنها را رعایت کند؛ اعم از آداب ظاهری روزه همچون ترک خوردن و آشامیدن و آداب باطنی آن از قبیل ترک معاصی و حتی مکروهات.

حکمت روزه، عبارت است از فایده، هدف و نتیجه‌ای که بر آن مترتب می‌گردد، همچون تقوا، آرامش روح و روان، سلامت بدن، احیای فضایل اخلاقی و مانند آن که در روایات معصومین (ع) و کتابهای اخلاقی آمده است.

اما سرّ روزه، عبارت است از وجود غیبی روزه که به عالم ملکوت برمی‌گردد و چیزی است که به درون و باطن روزه مربوط می‌شود.

روشن است که اسرار روزه با احکام، آداب و حکمت آن تفاوت دارد و هیچ کدام از آنها را نمی‌توان جزو اسرار روزه نامید. اگر چه در این میان، بدون آداب روزه نمی‌توان به اسرار آن دست یافت؛ چرا که آداب روزه، همان علت‌های آماده ساز و اسباب کمک رسان در رسیدن به پاره‌ای از اسرار روزه است؛ زیرا رسیدن به باطن ممکن نمی‌شود جز برای کسی که خاطر او پاک و درون او صاف و دل او سالم باشد.

مفهوم شناسی

اسرار جمع سرّ در برابر علّان همانند غیب در مقابل شهادت، یعنی نهان، امر مکتوم و پوشیده و چیزی که از دیده‌ها پنهان باشد.

سرّ بر دو قسم است؛ نخست سرّ مطلق و محض، و آن رازی است که در چارچوب مقدار و اندازه نمی‌آید و هیچ‌گاه به منصفه ظهور نرسیده و آشکار نمی‌گردد، مانند علوم و اسراری که در خزاین غیب الهی قرار گرفته و حکمت خداوندی ایجاب می‌کند، هیچ‌گاه از نهانخانه درون بیرون نیاید.

دوم سرّ مقید و بالقیاس، و آن رازی است که در محدوده مقدار و اندازه در آید؛ در این هنگام قابلیت شهود پیدا می‌کند و نسبی و مضاف است؛ بدین معنا که ممکن است کسی بدان دست یازد و برای او به شهادت برسد، ولی دیگری همچنان این راز برای او پوشیده بماند.^۱

راه اثبات اسرار روزه

آنچه بر وجود راز برای روزه دلالت دارد، دو امر است:

۱. دلیل عام

منظور از دلیل عام، دلیل فراگیری است که وجود راز برای روزه و غیر آن را ثابت می‌کند مانند آیه شریفه که می‌فرماید:

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ... (اعراف: ۵۳)

آیا آنان جز در انتظار تأویل هستند؟ روزی که تأویلش فرارسد، کسانی که آن را از پیش به فراموشی سپرده‌اند می‌گویند: در حقیقت فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند.

بر اساس این آیه، روزه از اموری است که قرآن کریم در آیات متعددی به طور روشن آن را بیان کرده است و هر چه را قرآن بیان کرده، تأویل دارد، چنان که دارای تفسیر، باطن و ظاهر است و ناچار باید تأویل با تفسیر همخوان بوده و باطن با ظاهر موافق باشد.

تأویل، امر عینی است نه ذهنی، و مصداق خارجی است نه مفهوم درونی که وقتی پرده‌ها کنار رفت آشکار می‌گردد.

از آنجاکه برای هر امر ظاهری، درون و لایه‌های مترقی‌تری وجود دارد و برخی از این درونها در مرتبه، فوق برخی دیگر هستند، برای روزه نیز درونها و تأویلاتی است که درجه بعضی فوق بعضی دیگر است، که در روز قیامت آشکار می‌شود.
یا آیه‌ای که می‌فرماید:

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا. (هود: ۱۲۳)

نهان آسمانها و زمین از آن خداست و همه کارها به او باز می‌گردد.

بر پایه این آیه، روزه، جزئی از آسمانها و زمین - نظام خارجی موجود - است و هر موجودی که پاره‌ای از نظام عینی و خارجی شمرده شود، برای او جنبه غیب و نهانی است، همان گونه که برای او شهادت است.

در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم:

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ. (حجر: ۲۱)

چیزی نیست ظاهراً این که گنجینه‌های آن نزد ماست و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم.

بر اساس این آیه نیز برای تک تک اشیا و پدیده‌های جهان طبیعت و از جمله روزه، گنجینه‌هایی وجود دارد که برخی از آنها فوق بعضی دیگر قرار دارند. چون قرآن که در بردارنده روزه و غیر آن است، در جهان طبیعت یک شیء خارجی است؛ از این رو، برای قرآن با محتویاتی که دارد نیز گنجینه‌هایی الهی است که از آن نازل شده است.^۲

آیات «قَسْبِحَانَ الَّذِي يَبْدُوهُ مَلَكُوتٌ كُلُّ شَيْءٍ» (یس: ۸۳)؛ «تَبَارَكَ الَّذِي يَبْدُوهُ الْمَلَكُوتُ» (ملک: ۱)؛ «وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (منافقون: ۷) و «قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (فرقان: ۶) نیز وجود راز برای روزه و دیگر عبادتها را ثابت می‌کند.

۲. دلیل خاص

منظور از آن، دلیلی است که وجود راز نهانی برای خصوص روزه را ثابت می‌کند مانند روایاتی که درباره ملکوت و باطن روزه از معصومین (ع) وارد شده است و وجود حقیقی روزه، قبل از اعتبار دنیایی و نیز بعد از آن را به اثبات می‌رسانند. برخی از این‌گونه روایات در لایه لای مقاله خواهد آمد.

برخی از اسرار روزه

اصل در روزه و دیگر عبادتها، همان سرّ و نهان آن است و ظواهر احکام و آداب و حکمت‌های آن، فروعاتی هستند که می‌توان به وسیله آنها به این اصل رسید. بر این پایه، می‌توان گفت تنها راه نیل به اسرار روزه حفظ ظواهر احکام، آداب و حکمت‌های آن است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

روزه تنها امساک از خوردن و آشامیدن نیست، بلکه روزه، شرطی دارد که برای تام و تمام شدن روزه، چاره‌ای از حفظ آن شرط نیست و آن عبارت است از خاموشی اندرون. آیا سخن حضرت مریم دختر عمران را ننشیده‌ای که گفت: «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا ۝ فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِسْمِيًّا» (مریم: ۲۶) یعنی خاموشی را نذر کرده‌ام.

بنابراین، هرگاه روزه گرفتید زبانهایتان را از دروغ بازدارید، چشمهایتان را [از حرام] فروبوشید، با یکدیگر نزاع نکنید، حسد نورزید، غیبت نکنید، بگو و مگو ننمایید، تکذیب نکنید، از مباشرت با زنان دوری جوید، مخالفت نورزید، بر یکدیگر غضب نکنید، دشنام ندهید، یکدیگر را شماتت ننمایید، سستی نکنید، از مجادله بپرهیزید، ظلم نکنید، خود را به جهالت و نادانی نزنید، یکدیگر را اندوهگین نسازید، از یاد خدا و نماز غافل نشوید، با خاموشی، سکوت، حلم، صبر و صدق ملازم بوده، از آنها جدا نشوید. از اهل شر دوری کنید. از سخن باطل و غنا، دروغ، افترا زدن به افراد، دشمنی، سوء ظن و سخن چینی بپرهیزید.

بر آخرت مشرف باشید [به گونه‌ای که گویا آن را مشاهده می‌کنید] و ایام [مرگ] خود را انتظار بکشید؛ انتظار آنچه خداوند به شما وعده داده است، برای «لقاء الله» توشه جمع کنید. بر شما باد به سکینه، وقار، خشوع و خضوع، ذلیل همچون خواری بندگان ترسان از مولای خود، نیکوکار، برخوردار از خوف و رجا؛ در حالی که هم رعب و ترس بر او غالب شده و هم به عبادت میل و رغبت نشان می‌دهد...

سپس امام (ع) در ادامه حدیث می‌فرماید:

فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُلَّهُ فَأَنْتَ صَائِمٌ لِلَّهِ بِحَقِيقَةٍ صَوْمِهِ، صَائِعٌ لَهُ لِمَا أَمَرَكَ وَكُلَّمَا نَقَصْتَ مِنْهَا شَيْئاً فَمَا بَيِّتُ لَكَ، فَقَدْ نَقَصَ مِنْ صَوْمِكَ بِمَقْدَارِ ذَلِكَ.^۳

چون همه اینها را انجام دادی و تمام این شرایط را به کار بردی، تو برای خدا به روزه حقیقی او روزه خواهی بود و آنچه را که به تو فرمان داده انجام داده‌ای، و هر مقدار از آنچه من برای تو بیان کردم کم کنی در حقیقت از روزهات به همان اندازه کم شده است.

امام رضا (ع) نیز می‌فرماید:

إِعْلَمُ أَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرٌ لَهُ حُرْمَةٌ وَفَضْلٌ عِنْدَ اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ فَعَلَيْكَ مَا اسْتَطَعْتَ فِيهِ بِحِفْظِ الْجَوَارِحِ كُلِّهَا وَاجْتِنَابِ مَا نَهَاكَ عَنْهُ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ فَإِنَّ الصَّوْمَ فِيهِ سِرٌّ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَبِيدِ، فَمَنْ رَدَّهَا عَلَى مَا أَمَرَهُ اللَّهُ فَقَدْ عَظَّمَ أَجْرَهُ وَتَوَابَهُ، وَمَنْ تَهَاوَنَ فِيهِ فَقَدْ وَجَبَ السَّخَطُ مِنْهُ وَاتَّقَوْهُ حَقَّ تَقَاتِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ.^۴

بدان که ماه رمضان ماهی است که نزد خداوند بزرگ حرمت و فضیلت دارد. بنابراین، تا می‌توانی همه اندامهایت را در این ماه حفظ کن و در نهمان و آشکار از آنچه که خداوند تو را از

آن نهی کرده، دوری کن؛ زیرا در روزه ستری بین خدا و بنده اش است. پس هر کس این حرمت و فضیلت را آن گونه که خدایش به آن امر کرده، نگه دارد؛ اجر و ثواب بزرگی می برد و هر کس در آن سستی کند خشم خدا بر او لازم می گردد، تقوای الهی را به گونه ای که حق اوست، پیشه خود سازید؛ چرا که خداوند با پارسایان است و همانان نیکوکارانند.

کسی که همه احکام روزه را مراعات و آداب آن را به شایستگی مراعات کند، به حکمتهای روزه دست یافته و به همان میزان از سر و باطن روزه بهره مند خواهد شد؛ چرا که انسان با رعایت این ظواهر و آداب به باطن روزه راه پیدا می کند. امام خمینی (ره) می فرماید:

ظاهر راه باطن است...؛ کسی که چنین می بیند که با انجام تکلیفهای الهی باطن برای او حاصل نشد، بداند که ظاهر را درست انجام نداد و کسی که بخواهد به باطن برسد بدون راه ظاهر، مانند برخی از صوفیان عوام، او هیچ دلیلی از طرف خداوند ندارد.^۵

با توجه به این توضیح، برخی از اسرار روزه را در محورهای زیر پی می گیریم:

۱. خوشبوتر از مشک

آنچه در عالم ملک از روزه داری ظهور می کند این است که دهان انسان در اثر روزه بویی مطبوع ندارد ولیکن در عالم ملکوت، باطن روزه به صورت عطری خوشبوتر از مشک بروز می کند. امام صادق (ع) می فرماید:

أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا يَمْتَنِعُكَ مِنْ مُنَاجَاتِي؟ قَالَ: يَا رَبِّ أَجْلُكَ
عَنِ الْمُنَاجَاتِ يَخْلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: يَا مُوسَى لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ
عِنْدِي مِنَ رِيحِ الْمِسْكِ.^۶

خداوند متعال به حضرت موسی (ع) وحی فرستاد که چرا با من مناجات نمی کنی؟ عرض کرد: پروردگارا [شأن] تو را اجل از آن می دانم که با بوی نامطبوع دهان روزه دار [خود] مناجات کنم. خداوند بزرگ به او وحی کرد: ای موسی! بوی دهان روزه دار پیش من از مشک خوشبوتر است.

همان حضرت در روایتی دیگر می فرماید:

هر کس در روزی بسیار گرم برای خدای بزرگ روزه بگیرد و تشنه شود، خدا هزار فرشته را موکل می کند تا چهره او را مسح کنند و به او بشارت دهند و هنگام افطار خداوند بزرگ می فرماید:

مَا أَطِيبَ رِيحًا وَ رَوْحًا يَا مَلَائِكِي أَشْهَدُوا إِنِّي عَفَرْتُ لَهُ.^۷

عجب معطری و چه بوی خوشی داری! فرشتگان من شاهد باشید که من او را آمرزیدم.

۲. سپهر آتش

روزه در عالم مُلک، به صورت سپهری در برابر آفتها و شهوتهای دنیوی بروز می‌کند و راز اصلی سپهر بودن روزه را باید در تأثیرگذاری آن در نفس روزه دار جست و جو کرد؛ زیرا همان تأثیر است که باعث حراست آدمی می‌شود. ولی در عالم ملکوت، به صورت سپهری در برابر آتش جهنم ظهور می‌کند. رسول خدا(ص) در این باره می‌فرماید:

الصَّوْمُ جَنَّةٌ^۸ روزه سپهر است.

امام صادق(ع) می‌فرماید:

الصَّوْمُ جَنَّةٌ. أَيْ سَتْرٌ مِنَ آفَاتِ الدُّنْيَا، وَ حِجَابٌ مِنَ عَذَابِ الْأُخْرَى.^۹

روزه، مفطراتی صوری دارد و مفطراتی معنوی. روزه‌های مصطلح راه‌ده چیز باطل می‌کند که معروف است؛ اما روزه‌ای که سپهر آتش و موجب ورود به بهشت است و بوی دهان را از مُشک خوشبوتر می‌سازد، ممکن است با غیبت از مسلمانی رخت بر بندد.^{۱۰} این است معنای سخن رسول خدا(ص) که فرمود: «الصَّيَّامُ جَنَّةٌ مَا لَمْ يَخْرِقْهَا» روزه زمانی سپهر آتش است که سوراخ نشود. گفتند: «وَيْمَ يَخْرِقْهَا» به چه چیزی سوراخ می‌شود؟ فرمود: «يَكْذِبُ أَوْ غَيْبَةً»^{۱۱} با دروغ یا غیبتی. سپهر بودن روزه با گناه آسیب می‌شود و آن ویژگی باطنی خود را از دست می‌دهد.

۳. مشاهده ملکوت

اساس راز روزه در شهود عینی روزه‌دار نهفته است. از جمله برکات روزه حقیقی که خداوند متعال نصیب روزه‌داری می‌کند این است که پرده از جلو چشم او برمی‌دارد و به این وسیله می‌تواند ماورای طبیعت را با چشم دل و حقیقت ایمانش ببیند. خداوند سبحان همگان را به نظر در ملکوت عالم دعوت کرده، می‌فرماید:

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ... (اعراف: ۱۸۵)

آیا در حکومت و نظام آسمانها و زمین و آنچه خدا آفریده، (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند.

ماه مبارک رمضان و روزه بهترین راه برای رسیدن به باطن عالم و مشاهده ملکوت آن است؛ برای اینکه درهای آسمان و عالم ملکوت در ماه رمضان باز است و مقتضی برای تعالی روحی فراهم است، فقط همتی مردانه می‌خواهد که انسان وقت را غنیمت شمارد و از لحظه لحظه ایام و لیلی این ماه مبارک استفاده کند و خود را در معرض نفحات الهی قرار دهد. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُنْتَحَفُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَا تُغْلَقُ إِلَى آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ...^{۱۲}

همانا درهای آسمان در اولین شب ماه رمضان گشوده می‌شود و تا آخرین شب آن بسته نمی‌شود.

همچنین می‌فرماید:

أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ، وَ يُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ يَصِيرُ إِلَى الْعَرْشِ: دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ، وَ الْمَظْلُومِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ، وَ الْغَنِيمِ حَتَّى يَرْجِعَ، وَ الصَّائِمِ حَتَّى يَفْطُرَ.^{۱۳}

چهار نفرند که دعایشان رد نمی‌شود و درهای آسمان برای آنان گشوده می‌شود و صیوروت آنها به سوی عرش است: دعای پدر برای فرزندانش، نفرین مظلوم در حق ظالم، شخص عمره‌کننده تا زمانی که مراجعت کند و روزه‌دار تا وقتی که افطار نماید.

بر اساس بعضی از روایات، شیطان رهنز انسان برای تعالی روحی و رسیدن به باطن

عالم است. امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید:

لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحْمُونَ حَوْلَ قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ.^{۱۴}

اگر شیطانها اطراف دلهای آدمیزاد گردش نمی‌کردند بدون تردید ملکوت آسمانها را می‌دیدند.

هنگامی که هلال ماه مبارک رمضان طلوع می‌کند بر دست و پای شیطان زنجیر می‌کنند:

«إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ، غُلَّتْ مَرَدَّةُ الشَّيَاطِينِ»،^{۱۵} علاوه اینکه، روزه اسلحه‌ای است که

انسان به وسیله آن می‌تواند در برابر هجوم شیطان تاب آورد و او را از خود دور می‌سازد. امام

صادق (ع) از پدران بزرگوار خود نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) به اصحاب خود فرمود:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ، تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدُ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ؟ فَالْوَأ:

بَلَى. قَالَ الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ...^{۱۶}

آیا شما را به چیزی آگاه نسازم که اگر انجامش دهید، شیطان را از شما دور کند؛ آن گونه که

مشرق از مغرب دور است؟ گفتند: آری. فرمود: روزه روی شیطان را سیاه می‌کند.

از سوی دیگر، انسان با روزه گرفتن، ظاهر عالم را می‌نگرد. درد تشنگی و گرسنگی را می‌چشد و به این وسیله درد گرسنگان و تشنگان را درمی‌یابد و بر آنها ترحم می‌کند و با رعایت آداب ظاهری و باطنی روزه کم کم به ملکوت عالم راه می‌یابد. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

طُوبَى لِمَنْ ظَمَأَ أَوْجَاعَ اللَّهِ! أُولَئِكَ الَّذِينَ يَشْبَعُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، طُوبَى لِمَنْ سَابَّ بِالصَّبْرِ! أُولَئِكَ الَّذِينَ يَرَوْنَ مَلَكَوَتَ السَّمَوَاتِ.^{۱۷}

خوشا به حال کسانی که برای خدا تشنه یا گرسنه می‌شوند! آنها کسانی‌اند که روز قیامت سیر می‌شوند. خوشا به حال مسکینان صابر! آنان کسانی‌اند که باطن عالم را مشاهده می‌کنند. اما چگونگی دیدن باطن عالم به این گونه است که روزه‌دار در اثر روزه به کمالی دست می‌یابد که چشم دلش باز می‌شود و با چشم دل و حقیقت ایمانش ماورای عالم را می‌بیند. چنان که خداوند سبحان در حدیث معراج درباره فضایل اهل آخرت می‌فرماید:

وَلَا تَفْتَحَنَّ لِرُؤُوسِهِمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ كُلِّهَا وَلَا تَرْفَعَنَّ الْحُجُبَ كُلَّهَا دُونِي.^{۱۸}

البته من برای روح آنها همه درهای آسمان [و ملکوت] را باز می‌کنم و همه حجابهای غیر خودم را بر می‌دارم.

اوج سرّ نهانی روزه در شهود خداوند نهفته است که ثمره آن رسیدن به یقین می‌باشد؛ همان که در آیه‌ای از قرآن می‌خوانیم: «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (حجر: ۹۹)

۴. سفره رنگین بهشتی

اگر چه شخص روزه‌دار از اطمعه و اشربه دنیایی در حین روزه ممنوع است و لیکن باطن روزه به صورت انواع خورده‌نیها و نوشیدنیهای بهشتی ظهور می‌کند که نه چشمی آنها را دیده و نه گوشی شنیده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مَائِدَةً عَلَيْهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَىٰ قَلْبِ بَشَرٍ، لَا يَقَعْدُ عَلَيْهَا إِلَّا الصَّائِمُونَ.^{۱۹}

همانا خداوند سفره‌ای گسترده که بر آن چیزهایی است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلب کسی خطور کرده است و تنها روزه‌داران بر سر آن سفره می‌نشینند.

۵. دعای فرشتگان

از رازهای نهانی روزه عبارت از چیزهایی است که فرشتگان برای روزه‌دار از درگاه خدا مسئلت می‌کنند. آنچه را آنان برای روزه‌داران دعا می‌کنند، باطن روزه است. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَلَّمَ مَلَائِكَتَهُ بِالدُّعَاءِ لِلصَّائِمِينَ وَقَالَ: أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَبِّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ أَنَّهُ قَالَ: مَا أَمَرْتُ مَلَائِكَتِي بِالدُّعَاءِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي إِلَّا اسْتَجَبْتُ لَهُمْ فِيهِ.^{۲۰}

همانا خداوند متعال عده‌ای از فرشتگان را مأمور کرده تا برای روزه‌داران دعا کنند و جبرئیل (ع) به من خبر داد که پروردگار می‌فرماید: من هرگز فرشتگانم را به دعا فرمان ندادم جز آنکه دعای آنان را مستجاب کردم.

۶. در ورودی ویژه

باطن روزه در قیامت به صورت دری بهشتی به نام «رِیَّان» تجلی می‌کند که ویژه مردان و زنان روزه‌دار است و کسی دیگر حق ورود از آن را ندارد. رسول خدا (ص):

وَاللَّجَنَّةُ نَابٌ يُقَالُ لَهُ الرِّیَّانُ. لَا يَفْتَحُ ذَلِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَفْتَحُ لِلصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (ص) ثُمَّ يُنَادِي رِضْوَانُ حَازِنُ الْجَنَّةِ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ! هَلُمُّوا إِلَى الرِّیَّانِ، فَيَدْخُلُ أُمَّتِي فِي ذَلِكَ الْبَابِ إِلَى الْجَنَّةِ...^{۲۱}

بهشت دری دارد که به آن «ریان» می‌گویند. این در تا روز قیامت باز نمی‌شود، ولی در روز قیامت برای زنان و مردان روزه‌دار از امت محمد (ص) گشوده می‌شود. پس از آن رضوان، خزانه‌دار بهشت ندا می‌کند: ای امت محمد! به سوی ریّان بشتابید و امت من از آن در وارد بهشت می‌شوند. در برخی روایات دارد که کسی غیر روزه‌داران از آن در وارد نمی‌شوند و پس از ورود آنان این در بسته می‌شود.^{۲۲}

۷. صورت ملکوتی روزه در برزخ

باطن روزه در عالم برزخ با صورتی نورانی ظهور می‌کند و همدم تنهاییهای انسان در عالم پس از مرگ است. از یکی از دو امام باقر و صادق (ع) روایت شده که می‌فرماید:

وقتی بنده مؤمن از دنیا می‌رود شش صورت به همراه او وارد برزخ و قبر می‌شوند. این صورتها از شش جهت او را از آسیبها محافظت می‌کنند. آن کس که طرف راست این بنده

مؤمن قرار گرفته در معرفی خود می‌گوید: من نمازم، آن که طرف چپ او قرار گرفته می‌گوید: من زکات هستم، صورتی که رو به روی او ایستاده می‌گوید: من روزه هستم، صورتی که پشت سر اوست و از پشت وی را حمایت می‌کند می‌گوید: من حج و عمره هستم، اما آن نوری که پایین پای اوست می‌گوید: من نیکیهایی هستم که تو به برادران مؤمن روا داشتی، آن گاه این پنج نفر از آن که بالای سر مؤمن ایستاده می‌پرسند که تو کیستی که از همه ما نورانی‌تر هستی؟ می‌گوید: من ولایت خاندان پیغمبرم.^{۲۳}

صورت نورانی و ملکوتی روزه را در عالم برزخ می‌توان دید و با او سخن گفت و از او شفاعت طلبید. این صورت ملکوتی همیشه زنده است و روز قیامت از روزه‌دار شفاعت می‌کند. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

الصَّيَّامُ وَالْقُرْآنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. يَقُولُ الصَّيَّامُ: أَيْ رَبِّ مَنَعْتَهُ الطَّعَامَ وَالشَّهْوَةَ فَشَفِّعْنِي فِيهِ وَيَقُولُ الْقُرْآنُ: مَنَعْتَهُ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ فَشَفِّعْنِي فِيهِ. قَالَ: فَيَشْفَعَانِ.^{۲۴}

روزه و قرآن در روز قیامت برای بنده شفاعت می‌کنند. روزه می‌گوید: پروردگارا او را از غذا و شهوت منع کردم، پس شفاعت مرا در حق او بپذیر و قرآن می‌گوید: پروردگارا از خواب شب او مانع شدم پس شفاعت مرا در حق او بپذیر. بنابراین، آن دو شفاعت می‌کنند.

۸. لقاء الله

خداوند سبحان در ماه مبارک رمضان همگان را به «ضیافت الله» دعوت کرده است. ماهیت این مهمانی با دیگر مهمانیها تفاوت دارد. در ماه مبارک رمضان خدا با گرسنگی و تشنگی از مهمانهایش پذیرایی می‌کند و قطعاً اگر برای رسیدن به باطن روزه چیزی بهتر از گرسنگی بود خدا با آن از مهمانهایش پذیرایی می‌کرد. کسی که به حقیقت روزه برسد و مهمان خدا شود کم کم از خوردن و آشامیدن می‌افتد، همه حواسش به او می‌رود و علم و محبت او را سیر و سیراب می‌کند.^{۲۵}

باطن این مهمانی، معدن نور و عظمت است که در مناجات شعبانیه از خداوند سبحان درخواست می‌کنیم: «وَ أَنْزِلْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ».^{۲۶}

خداوند تبارک و تعالی برای ورود به این معدن، از بندگان دعوت کرده است؛ هم این

دعوت در عالم آفرینش بی بدیل است و هم نحوه پذیرایی صاحبخانه و هم آنچه پاداش در انتظار روزه‌دار است آن هم، استثنایی و جزو اسرار نهانی میان روزه‌دار و خداوند سبحان است. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: كُلُّ أَعْمَالِ بَنِي آدَمَ بِعَشْرَةِ أَسْوَاقٍ إِلَى سَبْعِينَ ضِعْفًا إِلَّا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ، فَتَوَابُ الصَّبْرِ مَحْزُونٌ فِي عِلْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالصَّبْرُ الصَّوْمُ.^{۲۷}

خداوند بزرگ فرمود: همه اعمال آدمیزاد از ده تا هفتصد برابر پاداش دارند به غیر از صبر که آن برای من است و من به آن پاداش می‌دهم و پاداش صبر در خزانه علم الهی نهفته است و صبر همان روزه است.

در حدیث دیگر می‌فرماید که خدای سبحان فرمود:

الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ.^{۲۸}

این حدیث را دو گونه می‌شود معنا کرد؛ نخست اینکه کلمه «اجزی» به فتح همزه و به صیغه معلوم خوانده شود. در این صورت معنای حدیث چنین است: روزه مال من است و من شخصاً پاداش او را می‌دهم.

در این فرض تفاوت روزه با دیگر عبادتها این است که در غیر روزه هنگام مرگ ملائکه الهی به استقبال مؤمنان می‌آیند، درهای بهشت را می‌گشایند و می‌گویند از هر دری که خواستید بفرمایید «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوا خَالِدِينَ». (زمر: ۷۳) اما درباره روزه‌دار، خود خداوند، بدون واسطه قرار دادن فرشته‌ها به روزه‌دار پاداش می‌دهد و به او خطاب می‌کند: «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ۝ وَادْخُلِي جَنَّتِي» (نجر: ۲۹-۳۰).

دوم اینکه کلمه «اجزی» به ضم همزه و به صیغه مجهول خوانده شود. در این صورت معنای حدیث چنین است: روزه مال من است و من جزای آن هستم. در این جا سر و باطن روزه به صورت لقای خدا ظهور می‌کند و برای انسان، همتی بالاتر از لقای حق فرض ندارد.^{۲۹}

در هر دو صورت؛ چه آنجا که خداوند به طور مستقیم و بدون واسطه فرشتگان متکفل پاداش روزه‌دار می‌شود و چه آنجا که خود خداوند و لقای او پاداش روزه‌دار باشد، آنچه بین خداوند و بنده‌اش می‌گذرد و همچنین چگونگی پاداش دادن خداوند به بنده‌اش، از

مکنونات و اسراری است که در روایت پیشین با عبارت «فَتَوَابُ الصَّبْرِ مَحْزُونٌ فِي عِلْمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالصَّبْرُ الصَّوْمُ» از آن یاد شد.^{۳۰}

بدون تردید وقتی روزه‌دار به این سر روزه دست پیدا کند به معدن نور و عظمت الهی دست یافته و در آن محضر غرق لذت، سرور و شادمانی خواهد شد، ولی چون در آن جا مقام، مقام عنداللهی شدن «عِنْدَ مَلِيكَ مُقْتَدِرٍ» (نمر: ۵۵) است، سخن از لذایذ ظاهری نیست. بلکه سخن از کمالات و لذایذ معنوی است. از همین رو است که امام صادق (ع) می‌فرماید:

لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ عِنْدَ الْإِفْطَارِ وَ فَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.^{۳۱}

روزه‌دار دو وقت خوشحال است؛ یکی هنگام افطار و دیگر هنگام ملاقات با خداوند بزرگ.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت:

۱. روزه، علاوه بر احکام، آداب و حکمتها، اسراری هم دارد.
۲. اسرار روزه با احکام و آداب و حکمتهای آن تفاوت دارد.
۳. آنچه بر وجود راز برای روزه دلالت می‌کند، عبارت است از دلیل عام و دلیل خاص.
۴. برخی از آیات قرآن کریم وجود راز برای روزه و غیر آن را ثابت می‌کند.
۵. اصل در هر عبادتی، سرّ و نهان آن است.
۶. تنها راه رسیدن به باطن روزه حفظ ظواهر احکام، آداب و حکمتهای آن است.
۷. روایات متعددی درباره سرّ و باطن روزه از معصومین (ع) رسیده است.
۸. برخی از اسرار روزه عبارت است از: عطری خوشبوتر از مشک، سپر آتش جهنم، مشاهده ملکوت، سفره رنگین بهشتی، دعای فرشتگان، در ورودی ویژه به بهشت، صورت ملکوتی برزخی، لقاء الله.

پی‌نوشتها:

۱. ر.ک: رازهای نماز، آیت الله جوادی آملی، ص ۱۸-۱۹.

۲. ر.ک: همان، ص ۲۱-۲۵.

۳. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۹۲-۲۹۳.

۴. همان، ص ۳۸۱.
۵. سرچشمه اندیشه، آیت الله جوادی آملی، ج ۵، ص ۲۰۱.
۶. روضة المتقين، ج ۳، ص ۲۲۹.
۷. الکافی، ج ۴، ص ۶۴.
۸. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۵۱.
۹. همان، ص ۲۵۴.
۱۰. تسنیم، آیت الله جوادی آملی، ج ۹، ص ۳۰۷.
۱۱. الدر المنثور، ج ۱، ص ۴۳۷.
۱۲. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۳۴۴.
۱۳. همان، ص ۲۵۶-۲۵۷.
۱۴. محجة البيضاء، ج ۲، ص ۱۲۵.
۱۵. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۶۰.
۱۶. الکافی، ج ۴، ص ۶۲.
۱۷. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۹۹.
۱۸. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۴.
۱۹. الدر المنثور، ج ۱، ص ۴۴۱.
۲۰. روضة المتقين، ج ۳، ص ۲۲۸.
۲۱. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۳۵۵.
۲۲. ر.ک: الدر المنثور، ج ۱، ص ۴۳۶.
۲۳. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۳۴-۲۳۵.
۲۴. الدر المنثور، ج ۱، ص ۴۴۰-۴۴۱.
۲۵. ر.ک: مصباح الهدی در نگرش و روش عرفانی اهل محبت و ولای، مهدی طیب، ص ۳۳. (برگرفته از سخنان مرحوم دولابی)
۲۶. مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه.
۲۷. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۵۲.
۲۸. روضة المتقين، ج ۳، ص ۲۲۵.
۲۹. ر.ک: حکمت عبادات، آیت الله جوادی آملی، ص ۱۳۷.
۳۰. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۵۲.
۳۱. همان، ص ۲۴۸.



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی